

حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات



دکترسید علی اکبر ربیع نتاج^۱

عالیه روح اله زاده اندواری^۲

چکیده

در آیات و روایات تاریخی اسلامی، حضور مؤثر زنان و مسئولیت‌های آنان در صحنه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود. در این رابطه بعضی از دینداران نقش زن را محدود به نقش مادری و همسری می‌دانند و تصور می‌کنند وظیفه زن محدود به این دو نقش بوده و حق حضور در اجتماع و انجام مسئولیت‌هایی دیگر را ندارد.

در مقابل عده‌ای نیز معتقدند که زن علاوه بر نقش مادری و همسری توانایی و صلاحیت انجام سایر نقش‌های اجتماعی را نیز دارد و به ناچار باید در بسیاری از مدیریت‌ها خود را نشان دهد. این حضور علاوه بر پیامدهای مثبت دارای آسیب‌ها و خطراتی است که او

۱. دانشیار دانشگاه مازندران

نشانی الکترونیکی: sm.rabinataj@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد

نشانی الکترونیکی: a.roh@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۲/۱

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۹

را تهدید می‌کند. از جمله آسیب‌های فردی مثل صدمات جسمی، روحی و خستگی و نیز آسیب‌های خانوادگی مثل رشد مشکلات عاطفی فرزندان و کاهش ارتباط با اعضای خانواده، نارضایتی شوهر و نیز آسیب‌های اجتماعی مثل کاهش میزان ازدواج و خطر ارتباط نامشروع؛

این مقاله در صدد شناسایی این آسیب و نقد و بررسی آن‌ها می‌باشد، علاوه بر آن ضرورت حضور زن در اجتماع را از دیدگاه قرآن تحلیل و جلوه‌های و آداب حضور او را از دیدگاه شریعت اسلامی بیان می‌کند.

کلید واژگان: قرآن، روایات، آسیب‌شناسی، زن، اجتماع، آداب



طرح مسئله

امروزه کسی نمی‌تواند نقش کاربردی زنان را در جامعه انکار کند؛ چرا که زنان نیمی از پیکره اجتماع را تشکیل داده و نقش او را در رشد و تعالی انسان و جامعه انسانی مهم تلقی کرده‌اند؛ و بسیاری از چرخ‌های اقتصادی، آموزشی و خدمات با دستان توانمند آن‌ها به حرکت درمی‌آید، این واقعیتی انکارناپذیر است و می‌توان گفت عدم حضور زن در بعضی مشاغل می‌تواند به پیکره جامعه صدمه بزند. در متون دینی و منابع اسلامی نیز به نصوصی برخورد می‌کنیم که نشانگر جایگاه والای زن در اجتماع است.

اهمیت مسئله به اندازه‌ای است که همواره برخی افراد این موضوع را دستاویز حمله به مسلمانان قرار داده‌اند و با پیدایش فمینیسم این حملات دو چندان شده است، در مقابل دانشمندان مسلمان در دفاع از حقوق زن سخن‌ها گفته و کتاب‌ها و مقالات مختلف نوشته و نشست‌هایی برگزار کرده‌اند. در میان پیشتازان این حرکت، امام خمینی (ره) و شهید مطهری (ره) و آیت الله جوادی آملی را می‌توان نام برد. شهید مطهری، در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، به تفصیل در این زمینه قلم فرسایی کرده است. آیت الله جوادی آملی نیز در کتاب زن در آئینه جلال و جمال در ۳ بخش از عظمت و جایگاه زن سخن به میان آورده و در بخش پایانی نیز به شبهاتی در این زمینه پاسخ وافی داده است.

۱. قرآن و ضرورت حضور زن در جامعه

در قرآن، آیاتی وجود دارد که بیانگر فعالیت اجتماعی زنان می‌باشد، از جمله:

۱-۱. بیعت زنان با پیامبر (ص) (حضور سیاسی)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعِهِنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه، ۱۲). «ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند در حالی که با تو بیعت کنند که هیچ چیز را شریک خدا قرار ندهند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان‌شان را نکشند و هیچ تهمت‌ی را نیاورند که آن را بین دست‌هایشان و پاهایشان برافته‌اند و در هیچ [دستور] پسندیده‌ای نافرمانی تو را نکنند، پس با آنان بیعت کن و برای آنان از خدا طلب آموزش کن که خدا بسیار آمرزنده [و] مهربور است».

آیه بالا به مسئله بیعت با حکومت، این بارزترین مظهر عمل سیاسی، اشاره و ضمن بیان حکم

بیعت زنان مؤمن با رسول خدا، شروطی را برای آنان تعیین می‌کند که بعضی میان زنان و مردان مشترک است، مانند شرک نورزیدن و نافرمانی نکردن از رسول خدا در کارهای نیک و بعضی بیش‌تر به زنان ارتباط می‌یابد، مانند دوری جستن از سرقت، زنا، کشتن اولاد و فرزندان دیگران را به شوهر نسبت دادن. (طباطبایی، ۱۹، ۱۳۷۴/۴۱۱)

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: «وقتی رسول خدا (ص) مکه را فتح نمودند با مردان بیعت کردند، سپس زن‌ها آمدند که با حضرت بیعت نمایند و خداوند آیه ۱۲ سوره ممتحنه را نازل فرمود» (مجلسی، ۱۳۴/۲۱)

بیعت پیامبر با زنان نشان می‌دهد که برخلاف ادعای مخالفان اسلام که می‌گویند: اسلام برای زنان ارزشی قائل نشده، دقیقاً آن‌ها را در مهم‌ترین مسایل از جمله مسئله بیعت به حساب آورده است، آنان نیز در این امر مهم شرکت نموده‌اند و شرایط مربوط به آن‌را پذیرفته‌اند.

۲ - ۱. مهاجرت زنان

یکی دیگر از مسایلی که حضور زنان را در اجتماع در صدر اسلام نمایان می‌کند، شرکت زنان در نهضت بزرگ اجتماعی - سیاسی هجرت می‌باشد. مهاجرت در صدر اسلام برای گسترش پایگاه‌های اسلام و حفظ دین بسیار حائز اهمیت بوده است و در این امر بین زن و مرد هیچ تفاوتی نبوده است و پیامبر، هم از زنان و هم از مردان می‌خواستند که هجرت کنند.

آیات متعددی نیز از مهاجرت زنان مسلمان سخن گفته است:

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا* إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» (نساء، ۹۷ و ۹۸). «در واقع کسانی که فرشتگان، [جان‌های] ایشان را به طور کامل گرفتند، در حالی که به خویشتن ستمکار بودند، (فرشتگان به آنان) گفتند: «در چه [حالی] بودید؟» (در پاسخ) گفتند: «ما در زمین، مستضعف بودیم.» (فرشتگان) گفتند: «آیا زمین خدا، وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟!» پس آنان مقصدشان جهنم است و بد فرجامی است. مگر مستضعفانی از مردان و زنان و کودکان، که توان چاره جویی ندارند و به هیچ راهی رهنمون نمی‌شوند».

این آیه نیز به موضوع هجرت می‌پردازد که از حرکت‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشد. در هجرت مسلمانان به حبشه و مدینه، زنان نیز هم‌پای مردان حضور داشتند. یکی از زنانی که در



مهاجرت به مدینه شرکت داشت، اسما همسر زبیر بود. او می‌گوید: «در این مهاجرت فرزندانم عبد الله را حامله بودم و در قبا وضع حمل کردم». (مه‌ریزی، ۱۰۳)

در مجمع‌البحرین نیز روایت شده است که «پیامبر زنان مهاجر را سوگند می‌داد که بگویند: «به‌خدا سوگند، من از خشم شوهرم و یا از روی علاقه به این آب و خاک و یا برای تحصیل دنیا، وطن را ترک نکرده‌ام، من نیامدم مگر به‌خاطر خدا و پیامبر او». (طریحی، ۴۳ و ۴۰۷)

۳- ۱. کسب و تلاش اقتصادی (استقلال اقتصادی زنان)

اسلام به زن، استقلال اقتصادی بخشیده است تا وی، مانند مردان از حق مالکیت و تصرف در اموال خویشتن، بدون نظارت و قیمومیت کسی، بهره‌بردار و با اختیار خویش ثروتش را در راهی که نیاز می‌داند، صرف کند.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْتُمْ لَهُمْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْتُمْ لَهُنَّ (نساء، ۳۲) «برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است».

این آیه کسب و تلاش اقتصادی و مالکیت مردان و زنان را که از مصادیق مشارکت اجتماعی است تأیید می‌کند و این تصور غلط را که مالکیت و کسب و تلاش اقتصادی منحصر به مردان است، از بین می‌برد.

یکی از وجوهی که مجمع‌البیان برای آیه ذکر می‌کند، این است که «هر کدام از زنان و مردان را از تجارت، زراعت و سایر کسب‌های خود نصیبی است. بنابراین باید قانع و از قسمت و بهره‌خداوند راضی باشند». (طبرسی، ۲۶/۵)

۴- ۱. دختران شعیب در صحنه کار و اجتماع

قرآن کریم از دختران شعیب در حال انجام فعالیت اقتصادی - اجتماعی یاد می‌کند و شرم و حیای آن‌ها را در حین عمل و کار بیان می‌کند و می‌فرماید:

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءٌ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْكُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (قصص،

۲۶ - ۲۳). «چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دام‌های خود را] آب می‌دادند و پشت‌سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور می‌کردند. [موسی] گفت: «منظور تان [از این کار] چیست؟» گفتند: «ما به گوسفندان خود [آب نمی‌دهیم تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند و پدر ما پیری سالخورده است». پس برای آن دو، [گوسفندان را] آب داده، آن‌گاه به سوی سایه برگشت و گفت: «پروردگارا، من به هر چیزی که سویم بفرستی سخت نیازمندم». پس یکی از آن دو زن - درحالی که به آزر گام برمی‌داشت، نزد وی آمد [و] گفت: «پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آب دادن [گوسفندان] برای ما، مزد دهد» و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد، [وی] گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، چراکه بهترین کسی است که استخدام می‌کنی. هم نیرومند [و هم] درخور اعتماد است».

آیات مزبور، به برخی از فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی زنان اشاره دارد؛ زیرا رفتن به بیابان، شبنانی و چوپانی، آب دادن به گوسفندان در کنار مردان و سخن گفتن با موسی (مردبیگانه)، جایز دانسته شده است و دختران شعیب با رعایت عفت و حجاب این اعمال و رفتار را انجام می‌دادند و از اختلاط با مردان جلوگیری می‌نمودند و حتی زمانی که به سوی موسی می‌رفتند، با شرم و حیا راه می‌رفتند.

۵ - ۱. مادر و خواهر موسی (ع) نزدیک کاخ فرعون

از جمله زنان نمونه که در برابر سخت‌ترین حوادث، مقاومت شگفت‌انگیزی داشتند مادر موسی (ع) به نام یوکابد و خواهر موسی (ع) به نام «کلثمه» یا «کلیمه» بودند. (محمدی‌اشتهاردی، ۵۲) قرآن کریم، ماجرای مادر موسی (ع) را در هنگام حاملگی وی از موسی آغاز می‌کند؛ زمانی که فرعون تصمیم به قتل فرزندان پسر می‌گیرد و با به‌دریا انداختن موسی ادامه می‌یابد و در این‌جا تلاش‌های خواهر موسی برای رساندن او به مادرش آغاز می‌شود. در قرآن درباره خواهر موسی چنین آمده است:

«وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنِ جُنُبٍ وَهَمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص، ۱۱) «مادرش به او گفت: «از پی او برو» پس او را از دور دید، درحالی که آنان متوجه نبودند».

۶ - ۱. امر به معروف و نهی از منکر؛ وظیفه فردی و اجتماعی زنان

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ

الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۷۱) «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است». یکی از فعالیت‌های اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر است که در این آیه هر مرد و زنی موظف به انجام آن شده است.

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: آیه حال عامه مؤمنان را بیان می‌کند و می‌فرماید: مردان و زنان با ایمان اولیای یکدیگرند تا منافقان بدانند، نقطه مقابل ایشان مؤمنان هستند که مردان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان در حکم یک تن واحد هستند و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را به عهده می‌گیرند و هر کدام دیگری را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. (طباطبایی، ۴۵۵/۹)

۷-۱. حضور زن در مباحله

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران، ۶۱) «پس هر که در این (باره) پس از دانشی که تو را (حاصل) آمده، با تو محاجه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

در این آیه، مباحله به عنوان یک عمل مذهبی - اجتماعی مطرح است. قرآن مردان و زنان را با هم در این فعالیت سهیم می‌داند.

همگی اتفاق دارند که مراد از «نساءنا»، فاطمه (س) است. به دلیل اینکه جز او زنی در مباحله شرکت نکرد و آیه نیز دلیل بر فضیلت او بر همه زنان جهان است. (طباطبائی، ۱۰۲/۴)

۲. جلوه‌های حضور زن در اجتماع صدر اسلام

۱-۲. زنان صدر اسلام

زن صدر اسلام، زنی است که دوران مظلومیت زنان را درک کرده است، ظلم و ستم‌های بسیاری تحمل نموده و محدودیت‌ها و محرومیت‌های بسیاری را شاهد بوده و با ظهور اسلام، از محرومیت و مظلومیت به کرامت و عزت نائل شده است و می‌تواند از بهترین الگوهای زن

مسلمان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی باشد.

از جمله زنان نامدار، «حضرت خدیجه» همسر باوفای رسول خدا بود که در همان آغازین روزهای ظهور اسلام، مسلمان شد و در روزگاری که جاهلیت بر دل‌های مردم عرب حکمرانی می‌نمود و اسلام هیچ پایگاهی نداشت، وی نخستین کسی بود که نور اسلام را به دل خویش راه داد. (ابن اثیر، ۴۳۴/۵)

تا جایی که فرستادهٔ برحق خدا، محمد مصطفی (ص) به وی نوید بهشت ابدی عطا فرمود. یکی دیگر از این زنان «سمیه»، مادر عمار یاسر که از نخستین مسلمانان تاریخ بود. وقتی ابلیس منشان روزگار، از اسلام آوردن سمیه خبر یافتند، او، همسر و فرزندان تازه‌مسلمان شده‌اش را در بند نمودند و زیر آفتاب سوزان مکه شکنجه دادند. سمیه نامش را در شمار شیرزنان تاریخ به‌عنوان نخستین شهید اسلام ثبت نمود و تاریخ زن را با نام خود مزین ساخت. (ابن اثیر، ۴۸۱/۵)

علاوه بر اینان زنان دیگر بودند که با عشق به حقیقت و تحمل رنج‌ها و حضور در میدان نبرد در این راه موجب گسترش و اعتلای اسلام شدند. (ابن حجر عسقلانی، ۴۶۶/۴ - ۳۱۲)

۲ - ۲. مشارکت زنان در جهاد

حضور زنان در میدان جنگ و نبرد در تاریخ صدر اسلام نشان آن است که زنان نیز در راه خدا قیام می‌نمودند و در میدان‌های جنگ و جهاد همیشه حاضر و آماده بودند. از انس بن مالک روایت شده است: «کان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یغزو بأمر سلیم و نسوة من الانصار لیسقین الماء و یداوین الجرحی؛ هر گاه پیامبر (ص) قصد جنگی را نمود، ام‌سلیم جمعی از زنان را به همراه می‌برد تا مسؤولیت آب‌رسانی و درمان زخمی‌ها را به عهده گیرند». (ابی داود، ۲۰۲/۱)

در صحیح بخاری نیز نقل شده است: «عایشه و ام‌سلیم در زمان جنگ اُحد، مشک‌های آب را به سرعت جابه‌جا می‌کردند و به تشنگان می‌رساندند». (بخاری، ۴۱۸/۴)

«نسیبه» که به «ام‌عمار» معروف است می‌گوید:

«در جنگ اُحد با مشک آب خود را به پیامبر (ص) رساندم. آن حضرت را در جمع اصحاب یافتم و قدرت و پیروزی از آن مسلمانان بود. هنگام شکست مسلمانان، به پیامبر (ص) پیوستم و به طور مستقیم وارد جنگ شدم، به قصد دفاع از پیامبر (ص) شمشیر می‌زدم و تیراندازی می‌کردم». (ابن هشام، ۸۷/۳ - ۸۶)



۳ - ۲. حضور زنان و نهضت عاشورا

یکی از زنانی که مردانه در حادثه عاشورا به مبارزه پرداخت و پابه پای امام حسین (ع) حرکت نمود، حضرت زینب (س) بود. او زنی بود که با شجاعت و دلاوری و مسئولیت‌پذیری خویش ندای رسالت حسین (ع) را به گوش جهانیان رسانید، او بزرگ‌پرچم‌دار نهضت کربلا و بزرگ‌ترین پیام‌رسان لاله‌های پرپر شده آن است که عظیم‌ترین صبر در برابر مصایب را به نمایش درآورد. حضرت زینب توانست در همه جا ندای ولایت و حمایت را به گوش مردم برساند. (صادق کوهستانی، ۶۵)

به جز حضرت زینب (س) زنان دیگری نیز در واقعه عاشورا به یاری امام حسین و یارانش شتافتند. «از جمله این زنان مادر وهب تازه داماد کربلا، هلیم همسر زهیر بن قین، فاطمه همسر عمر بن عبد العزیز، حره از نوادگان حلیمه سعیدیه و... نیز بوده‌اند». (محمدی‌اشتهاردی، ۱۵۳ - ۱۲۶)

۴ - ۲. حضور اجتماعی - سیاسی فاطمه زهرا (س)

یکی دیگر از بانوانی که از صدر اسلام پابه پای پیامبر (ص) تلاش کرد و با مخالفان به مبارزه پرداخت، حضرت فاطمه زهرا (س) است. حضور او و سخنان او در ماجرای «سقیفه» و «فدک» نمایانگر حضور او در صحنه اجتماع و سیاست می‌باشد.

گفتنی‌ها در رابطه حضور زهرا (س) در کنار پدر و علی (ع) برای ترویج اسلام و تحمل سختی‌های او بسیار است، جز ماجرای سقیفه و فدک و نهضت عاشورا که نقش حضرت فاطمه (س) و زینب (س) در آن‌ها مشهود بود. از صدر اسلام و تاکنون جریانات و اتفاقات مهم دیگری رخ داده و خیل کشیری از زنان نمونه بوده‌اند که در کنار مردان یا به تنهایی از پس این وقایع برآمده‌اند.

۳. آداب حضور زن در جامعه

۱ - ۳. عفت در نگاه

در تعالیم اسلامی، مفهوم عفت عبارت است از کنترل شهوت و جلوگیری از آن در خارج شدن از حد اعتدال. در کتب لغت آمده است: این واژه از ریشه «عف» گرفته شده است و به معنای «خودداری از آن‌چه حلال نیست و خودداری از سخن یا عمل ناپسند» می‌باشد. (ابن منظور،

راغب اصفهانی می‌نویسد: «عفت، حالتی است، برابر نفس که آن حالت از غلبه شهوت بر انسان جلوگیری می‌کند». (راغب اصفهانی، ۳۵۱)

لذا منظور از عفت در نگاه آن است که فرد بتواند با ایمان و یقین بر نیروها و امیال شهوانی خود از طریق چشم غلبه کند. ارزش و اهمیت این مسئله از این بابت است که چشم اولین عضو بدن انسان است که گناه را مشاهده می‌کند و اگر فرد نتواند نگاه خود را کنترل کند، همان موجب سقوط و ذلت او می‌شود و خداوند چون خالق انسان است و از همه صفات وی آگاه است و برای انسان هر آنچه را که خوب و بهتر است، می‌خواهد، لذا به عفت در نگاه توصیه نموده، انسان را از نگاه‌های حرام باز می‌دارد.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ* وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِزْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (نور، ۳۱ - ۳۰)

صاحب مجمع‌البیان منظور از (غض بصر) را برای مردان و زنان پوشاندن دیدگان از آنچه نگاه به آن برایشان حلال نیست، بیان نموده است. (طبرسی، ۲۴۲/۷ - ۲۴۱)

و نیز علامه طباطبایی در تفسیر «غض بصر» می‌گوید: «مؤمنین چشم‌پوشی را از خود چشم شروع کنند... در این آیه به جای اینکه نهی از چشم‌چرانی کند، امر به پوشیدن چشم کرده و فرقی ندارد... و چون مطلق است نگاه به زن اجنبی را بر مردان و نگاه به مرد اجنبی را بر زنان تحریم فرموده، پس بر زنان هم جایز نیست نظر کردن به چیزی که برای مردان جایز نیست». (طباطبایی، ۱۵۶/۱۵ - ۱۵۴)

پس هر مسلمان چه زن و چه مرد باید از چشم‌چرانی و نظر بازی اجتناب کند، آری! نگاه جرقه‌ای است که غریزه را شعله‌ور می‌کند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«النظرة بعد النظرة تزرع في القلب شهوة و كفى بها لصاحبها فتنة». (حرعاملی، ۱۳۹/۴) «نگاه

بعد از نگاه، شهوت را در دل می‌رویاند و برای نظرباز همان فتنه‌انگیختن بس است». و نیز در این زمینه آمده است:

«والنظر سهم من سهام ابليس مسموم و کم من نظرة اورثت حسرة طويلة» (همان، ۱۳۸/۴؛ کلینی، ۵۵۹/۵). «نگاه تیری از تیرهای شیطان است، چه بسا یک نظر که حسرت درازی به دنبال دارد».

در وسائل الشیعه آمده است: امیرمؤمنان (ع) در نامه به امام حسن (ع) می‌گوید: «و اغضض بصرها بسترک و اکفها بحجابک» (کلینی، ۱۲۰/۱۴) «چشم‌ت را از آنچه باید پوشیده شود، ببوشان و حجاب‌ت را نگهدار...».

اگر مرد و زن با ایمان باور داشته باشند که خداوند چشم‌هایی را که به خیانت می‌گردد و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر، ۱۹) و در قیامت نیز چشم‌ها بر ضد آدمی گواهی می‌دهند: «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* وَقَالُوا لَوْلَا جُلُودُهُمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». (فصلت، ۲۱ - ۲۰) آیا چشم‌های خود را با چشم‌چرانی و نگاه حرام آلوده می‌کنند؟!».

بنابراین با عفت چشم و نگاه، عفاف در ابعاد دیگر حاصل شده و ملکه انسانی عفت در نفس آدمی ایجاد می‌شود و با عقیف نبودن آن، شیطان بهترین ابزار فریب می‌شود. با توجه به مطالب مطرح‌شده، عفت در نگاه یا غض بصر یکی از بهترین اصولی است که زنان و مردان مسلمان باید در رعایت آن بسیار بکوشند تا بتوانند در جامعه و کنار یکدیگر حضور یابند و به کار و فعالیت بپردازند.

۲ - ۳. عفت در معاشرت

یکی از شرایط مهم و اساسی فعالیت اجتماعی زن و حضور وی در صحنه گوناگون، مرزبندی دقیق و جدایی او از مردان است. قرآن کریم نیز برای این مطلب، تأکید ورزیده است...: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب، ۵۳) «هرگاه از ایشان (زنان پیامبر) چیزی خواستید، از پشت پرده و حایل طلب نمایید».

این امر واضح است که فعالیت‌های اجتماعی زنان و حضور آنان در جامعه، زمینه ارتباط بین زن و مرد را بیش‌تر می‌کند و این ارتباط و اختلاط بین زن و مرد گاه مفسده‌ای در پی دارد. پس زنان و مردان اگر بخواهند جامعه خود را به سعادت و موفقیت نزدیک کنند، باید در این

امر عفاف پیش گیرند و از افراط و تفریط دوری کنند. چون شاید با رعایت نشدن این اصل حضور زنان در جامعه خطرناک شود.

ام سلمه می گوید: «هنگامی که رسول خدا نماز جماعت را تمام می کرد، قدری مکث می کرد تا زنان خارج شوند». (بخاری، ۱۸۷/۵)

رسول خدا (ص) در زمان حیاتشان، در ورودی زنان به مسجد را از در ورودی مردان مجزا ساخت و فرمود: «لوتر کنا هذا الباب النساء». (ابی داود، ۱۸۰/۱) یعنی خوب است این در را به بانوان اختصاص بدهیم.

نیز در روایتی آمده است: «پیامبر اکرم (ص) دستور داد که شب هنگام که نماز تمام می شود، اول زن ها بیرون بروند و بعد مردها. رسول خدا خوش نمی داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند؛ زیرا فتنه ها از همین اختلاط برمی خیزد. رسول خدا برای اینکه برخورد و اصطکاکی رخ ندهد، دستور می داد مردان از وسط و زنان از کنار خیابان بروند. (ابی داود، ۶۵۸/۲)

بنابراین زنان و مردان اگر می خواهند در کنار یکدیگر به کار و تلاش بپردازند، باید از آنچه به اختلاط و ازدحام می انجامد، دوری کنند و قوانین و اصول دین مبین اسلام را رعایت کنند.

۳ - ۳. عفت در حجاب و پوشش

لزوم حضور یا عدم لزوم حضور زن در جامعه و فعالیت های گوناگون او در اجتماع از جمله مسایلی است که ارتباط نزدیک با مسأله حجاب دارد. لزوم و وجوب حجاب، بهترین و محکم ترین دلیل حضور زن در اجتماع می باشد؛ زیرا حجاب و لزوم پوشش زن، در مقابل نامحرم و در ارتباط با اجنبی است.

بنابراین پوشش دینی نه تنها بند و حصار و مایه محدودیت نیست، بلکه نشانه حرمت و حیثیت زن و موجب مصونیت اوست.

خداوند در قرآن خطاب به زنان پیامبر فرموده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب، ۵۹) «ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک تر است و خدا آمرزنده مهربان است».

براین اساس، عفاف و پوشش کامل و حجاب عفیفانه زن مسلمان تجسم حرمت و بهترین

سلاح اجتماعی اوست تا افراد شهوت‌پرست و غافل به فکر تعرض و اذیت او نیفتند و حتی نامحرمان او را از دید شهوانی ننگرند. به‌همین جهت پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ مَثَلُ الْغَرَابِ الْأَعْصَمِ الَّذِي لَا يَكَادُ يُقَدَّرُ عَلَيْهِ» (حرعاملی، ۲۲/۱۴) «به درستی که زن وارسته و محجبه و باعفت مانند کلاغ اعصم است که هرگز قدرت و توانایی تسلط بر او نیست».

در آیه ۳۳ سوره احزاب آمده است: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». در آیه ۳۱ سوره نور نیز آمده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الْإِرْتَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ «و به زنان مؤمن بگو:» چشمانشان را (از نگاه حرام) فروکاهند و دامان (عفت) شان را حفظ کنند و زیورشان را آشکار ننمایند، جز آنچه را که از آن‌ها ظاهر است و باید روسری‌هایشان را بر گریبان‌هایشان (فرو) اندازند و زیورشان را آشکار ننمایند، جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان (هم‌کیش) شان، یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند، یا مردان (خدمتکار) تابع (خانواده) که (از زنان) بی‌نیازند، یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده‌اند و پاهایشان را (به زمین) نزنند تا آنچه از زیورشان پنهان می‌دارند، معلوم گردد و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید. باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید».

با توجه به مباحث مطرح‌شده، پوشش و حجاب، اولین و مهم‌ترین اصل و آدابی است که زنان جامعه اسلامی باید در اجتماع رعایت کنند. زنان مسلمان ما با رعایت حفظ حجاب اسلامی و قرارگرفتن در صحنه اقتصاد و سیاست و... در جامعه می‌توانند به جهانیان نشان دهند که حجاب و پوشش مانع کار و تلاش نیست، بلکه راهی برای کنترل قوای شهوانی زن و مرد و هم برای استفاده از توان و نیروی کار فعال زنان در امورات جامعه است.

۴ - ۳. وقار در رفت و آمد

وظیفه دیگر زنان پرهیز از اعمال و رفتارهای جلب توجه‌کننده و غیرعفیفانه است.

«وَلَا يَضْرِبَنَّ بَارُجُلَيْهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور، ۳۱)؛ «زنان در موقع راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود و صدای خلخالی که برپا دارند، به گوش رسد».

زن نباید به گونه‌ای گام بردارد و راه برود که زینت‌هایش نمایان شده، مردان را به خود متوجه کند و از این راه زمینه گسترش فساد را فراهم آورد. همچنین نباید زمینه فساد را با هیجان‌انگیزی از راه «گوش» فراهم آورد... (قاسمی، ۱۹۹/۱۲؛ طبرسی، ۲۶۳/۷)

آنان باید در رعایت عفاف و پرهیز از امور جلب توجه‌کننده مردان، بیش تر دقت و احتیاط بکنند تا حتی با صدای زینت پنهان خود عامل انحراف فکرها و تباهی دل‌ها نشوند.

خداوند در آیه ۲۵ سوره قصص می‌فرماید:

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا...»؛ «چیزی نگذشت یکی از آن دو زن (دختران شعیب) که به آزم راه می‌رفت، نزد او (حضرت موسی) آمد و گفت: پدرم تورا می‌خواند تا مزد آب دادنت را بدهد».

علامه طباطبایی (ره) می‌گوید: «نکره آمدن استحیاء به منظور بزرگداشت مسئله است و مقصود از با حالت شرم راه رفتن این است که عفت و نجابت از طریق راه رفتنش هویدا بود».

(طباطبایی، ۲۶/۱۶)

حضور زن در اجتماع باید آمیخته به وقار و متانت بوده، از هیجان‌انگیزی و ایجاد زمینه‌های فساد به دور باشد.

۵ - ۳. عفت در کلام

اسلام با توجه به سلامت جامعه و برای جلوگیری از ایجاد زمینه‌های فساد، برای حضور زن در اجتماع شرایطی قائل شده است که قصار در سخن گفتن و متانت در کلام از جمله این شرایط است. لذا خداوند در قرآن از آن‌ها خواسته است که در ارتباط با بیگانه با ناز سخن نگویند:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب، ۳۲) «ای زنان پیامبر، شما همچون سایر زنان نیستید - اگر پرهیزکار باشید - مواظب باشید که در سخن نرمش زنانه و شهوت‌آلود به کار نبرید که موجب طمع بیماردلان گردد و به خوبی و به شایستگی سخن بگویید».

مخاطب قرار گرفتن زنان پیامبر هرگز بدان معنا نیست که این حکم، ویژه آنان است. لذا زنان مؤمن اگر می‌خواهند در جامعه حضور یابند، باید این اوامر الهی را رعایت کنند و در

سخن گفتن تعادل داشته باشند.

۶ - ۳. پرهیز از مصافحه و دست‌دادن

از دیگر اصولی که زن و مرد باید رعایت کنند تا بتوانند در جامعه کنار یکدیگر قرار گیرند و پایه‌پای هم تلاش کنند و به موفقیت نایل آیند، پرهیز از دست‌دادن زن و مرد می‌باشد. همان‌طور که خیره‌شدن در نگاه زشت و ناپسند است و زمینه‌ارتباط غیرانسانی را فراهم می‌کند، مصافحه و دست‌دادن نیز چنین است.

دست‌دادن زن و مرد اجنبی جایز نیست، مگر جامه‌ای مانند دستکش حایل باشد، در بعضی از روایات علاوه بر اینکه قید شده که مصافحه بدون حایل نباشد، اضافه شده است که باید دست را فشار ندهند.

مؤلف «عروة الوثقی» در رابطه با مطلب فوق می‌نویسد:

«لایجوز مصافحه الاجنبیة نعم لا بأس بها من وراء الثوب» (طباطبایی، ۸۰۴/۲) «دست‌دادن با زن بیگانه جایز نیست، ولی اگر جامه‌ای حایل باشد مانعی ندارد».

البته این دست‌دادن و مصافحه زن و مرد با یکدیگر در صورت وجود حایل مشروط به این است که تلذذ و ربه‌ای در کار نباشد، درغیراین صورت حرام است. (مطهری، ۲۴۴)

مؤلف وسائل الشیعه دراین زمینه از امام صادق (ع) روایت زیر را نقل می‌کند:

«مصافحه و دست‌دادن زن و مرد حلال نیست، مگر زن به او محرم شده باشد، به سبب ازدواج یا دختر یا خواهر یا عمه یا خاله یا دخترخواهر بودن».

(حرعاملی، ۱۵۱/۱۴)

رسول اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «من صافح امرأة تحرم علیه فقد باء بسخط من الله عزوجل» (همان، ۱۴۲/۱۴) هرکس با زنی که محرم او نیست، مصافحه کند، غضب حق تعالی را برای خود خریده است.

به همین دلیل، هنگام بیعت زنان با پیامبر (ص)، حضرت، یکی از اصول بیعت را که دست‌دادن و مصافحه است، انجام نداد. لذا در صحیح بخاری نقل شده است: «والله مامست یده ید امرأة قط فی المبایعة» (بخاری، ۱۳۸/۱۸) «به خدا سوگند پیامبر در هنگام بیعت دست هیچ زنی را لمس نکرد».

با توجه به احادیث و روایات ذکرشده، پرهیز از دست‌دادن زنان و مردان از جمله اصولی است که زن و مرد با رعایت آن در جهت اعتلا و شکوفایی جامعه می‌توانند گام بردارند و همه با هم در امور جامعه مشارکت نمایند.

۷ - ۳. پرهیز از محادثة غیرمجاز

یکی از مسائلی که اسلام آن را شوم و ناپسند می‌داند، شوخی و لهو و لعب بین زنان و مردان است که آثار سوء بسیاری در جامعه دارد و منجر به مفسده و به گناه افتادن می‌شود. بنابراین باید موازین اسلامی را رعایت کنند و با وقار و متانت در محیط کار و جامعه حضور یابند و از گفت و گوهایی بیهوده و باطل بپرهیزند.

حضرت رسول اکرم (ص) در باب این موضوع می‌فرماید: «و من فاکهة امرأة لا یملکها حبسه الله بكل کلمة کلمتها فی الدنيا الف عام» (حرعاملی، ۱۴۳/۱۴). «هرکس با زن نامحرم شوخی کند، برای هر کلمه‌ای که با او سخن گفته است، هزارسال زندانی می‌شود». بنابراین شایسته است زنان و مردان با رعایت این اصل به نجات جامعه از فساد کمک کنند.

۸ - ۳. اجتناب از خلوت

در روایت برای جلوگیری از اختلاط و فساد بر جدایی مکان زن و مرد تأکید شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «نهی رسول الله (ص) آن یدخل الرجال علی النساء إلا یاذنهن» (کلینی، ۵۲۸/۵) «رسول خدا (ص) از داخل شدن مردان بر جمع زنان بدون اجازه آن‌ها نهی فرمود». ظاهراً مفهوم روایت این است که مردان باید به‌هنگام ورود به محیطی که زن هست، اجازه بگیرند. روشن است که جدایی محل و فعالیت زن و مرد نیز از این حدیث، بهره‌برداری می‌شود و این مرز باید محفوظ بماند و در هنگام ورود به آن محیط‌ها، مردان بدون اجازه وارد نشوند. بخاری در کتاب خود می‌نویسد: عن ابن عباس عن النبی (ص) قال: «لا یدخلون رجل بامرأة الا مع ذی محرم» (بخاری، ۱۶۷/۱۹) «ابن عباس از پیامبر نقل می‌کند که هیچ مردی با زنی بدون حضور محرم خلوت نکند».

و نیز در وسائل الشیعه آمده است: «عن موسی بن جعفر و آباءه عن رسول الله (ص): «من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلا یت فی موضع یسمع نفس امرأة لیست له بمحرم» (حرعاملی، ۱۳۴/۱۴) «امام موسی بن جعفر (ع) به نقل از پیامبر (ص) فرمودند: هرکسی به خدا و روز قیامت ایمان دارد، هرگز در جایی که نفس زن نامحرمی را می‌شنود، توقف نکند».

پس شایسته است که زنان و مردان مسلمان راه عفاف را در پیش گیرند و این اصل اساسی؛ یعنی اجتناب از خلوت را در روابط خود رعایت کنند تا نه تنها خود بلکه جامعه را دچار مشکل نکنند.



۹ - ۳. پرهیز از استعمال بوی خوش

استفاده از عطر و بوی خوش به‌وسیله زنان از مهم‌ترین مسایلی است که خودبه‌خود، باعث برانگیخته‌شدن شهوت در مردان می‌شود، به‌همین دلیل زنان نباید در مجامع عمومی از بوی خوش استفاده نمایند.

در روایاتی از امام صادق (ع) نقل شده است: «ایما امرأة تطیبت لغير زوجها لم یقبل منها صلاة حتی تغتسل من طیبها» (صدوق، ۲۵۸/۳؛ طبرسی، ۴۲۳/۱) «هر زنی که برای غیرشوهر عطر بزند، خداوند نمازش را قبول نمی‌کند تا از آن غسل کند».

نیز حدیث دیگری از امام وارد شده است: «قال رسول الله (ص): أی امرأة تطیبت لغير زوجها ثم خرّجت من بیتهما فهی تلعن حتی ترجع إلی بیتهما متی ما رجعت» (حرعاملی، ۱۱۴/۱۴؛ مجلسی، ۲۴۷/۱۰۰). «پیامبر (ص) فرمودند: هرگاه زنی برای غیرشوهرش، خود را معطر نماید، سپس از خانه‌اش خارج شود تا زمانی که به منزلش برمی‌گردد، لعنت می‌شود».

و نیز در جای دیگر می‌فرماید: «اذ تطیبت المرأة لغير زوجها فانما هو نار و شنار» (صدوق، ۴۲۳/۳، پاینده، ۳۶/۱). وقتی زنی برای کسی جز شوهر خود بوی خوش به‌کار برد، مایه آتش و عار است.

با توجه به روایات فوق شایسته است زنان مسلمان جهت حضور در اجتماع از عطر و بوی خوش استفاده نکنند تا هم خود و هم مردان بیگانه بتوانند آرامش درونی خود را حفظ کنند و هیچ‌یک آلوده به گناه نشوند.

۴. آسیب‌های حضور زن

حضور زنان در جامعه می‌تواند از دو جهت فردی و اجتماعی آسیب‌هایی در پی داشته باشد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱ - ۴. آسیب‌های فردی

۱-۱-۴. صدمات جسمی و روحی

از اثرات منفی اشتغال زنان صدمه‌های جسمی و روحی است که به آنان وارد می‌شود؛ زیرا به‌علت درگیری‌های اجتماعی و رقابت‌های شغلی که در محل کارشان رخ می‌دهد، به ناراحتی‌های اعصاب و روان دچار می‌شوند.

اغلب زنان کارمند گرفتار خستگی روحی‌اند، زیرا مسئولیتشان سنگین است و غیرقابل

تحمّل. هم باید کار بیرون را انجام دهند، هم کار خانه و هم نگهداری فرزند و هم حفظ آرامش خاطر شوهر؛ و این کاری بس سنگین است و دشوار». (فائمی، ۱۸۷)

۲ - ۱ - ۴. خستگی مضاعف

اشتغال و فعالیت زن در بیرون از منزل، از نقشی که او در خانه به عنوان مادر و همسر دارد نمی‌کاهد، بلکه او علاوه بر کار بیرون از منزل، باید در خانه امور مربوط به همسر و فرزندان را انجام دهد و حق ایشان را ادا کند.

همان وظایفی که در خانه برعهده زن غیرشاغل است، بعد از پایان کار خارج از منزل، در انتظار زن شاغل است. وی علی‌رغم خستگی ناشی از کار، در خانه نیز باید به انواع وظایف خانگی خود که تهیه غذا، پوشاک، امور بهداشتی و... است، بپردازد. بدون تردید این خستگی جسمی از نظر روحی نیز وی را آسیب‌پذیر می‌کند. (روشن‌فر، ۷۹)

۳ - ۱ - ۴. آسیب‌های خانوادگی

آسیب‌های خانوادگی، خود از ابعاد مختلف، قابل بررسی است و موارد زیر را شامل می‌شود:

الف) مشکلات عاطفی و تحصیلی فرزندان

کار مادر برای فرزندان نوعی محرومیت به شمار می‌رود و جداشدن کودکان و فرزندان از مادر موجب به وجود آمدن بسیاری از مشکلات عاطفی و روانی در آینده خواهد شد.

«سپردن فرزندان به مراکز نگهداری کودک و دور بودن از آنان مشکلات عدیده‌ای به دنبال دارد. نامناسب بودن شرایط تغذیه‌ای، بهداشتی و احیاناً عدم کارآزمودگی مربیان این مراکز برای فرزندان کمبودهایی را ایجاد می‌کند که با توجه به ساعات حضور کم‌تر مادر شاغل در منزل جبران آن دشوار و حتی ناممکن است». (روشن‌فر، ۸۲)

عده بسیاری از کودکان در اثر دوری از مادر احساس تنهایی می‌کنند و چنین کودکانی نسبت به مادر بی‌اعتنا هستند و در خانه بدرفتاری می‌کنند.

ب) کاهش ارتباط با اعضای خانواده

مشغول شدن زن به کار بیرون از منزل، مستلزم سپری کردن چندین ساعت از وقت خود در محیط کار است. به همین دلیل، مادر کم‌تر در محیط خانه حضور دارد و بعد از آمدن از محیط کار، به دلیل خستگی نمی‌تواند ارتباط مناسبی با اعضای خانواده برقرار نماید، اشتغال زن و صرف ساعات خارج از خانه و فشردگی کارهای خانه در ساعات حضور، خواه‌ناخواه ارتباط



اعضای خانواده با یکدیگر را کاهش داده و زمینه تبادلی نظر و بررسی مسایل و مشکلات خانواده و هم‌فکری جهت رفع آن‌ها را محدود می‌کند.

ج) نرسیدن به شوهر (نارضایتی شوهر)

علامه طباطبایی در این مورد می‌گوید:

«اسلام محرومیت‌های زنان را مانند محرومیت از جهاد در راه خدا بدون عوض و جبران به مثل نگذاشته، بلکه کمبود آن در فضیلت و مزیت (که واقعاً مفاخری هستند) تدارک نموده، مثلاً نیکوداشتن شوهر را معادل جهاد قرار داده...». (طباطبایی، ۱۳۷۴/۴)

اگرچه زنان از جهاد فی سبیل‌الله محروم هستند، اما نیکو شوهرداری کردن برای آن‌ها جهاد به حساب می‌آید و پاداش آن را دارد. «اغلب مردان با کار کردن زنان در بیرون از منزل مخالفت می‌کنند و حاضر نیستند که همسرانشان در محیط جامعه کار کنند و درآمد به دست آورند، ولی برخی از مردان ممکن است به خاطر مشکلات مالی و فشارهای حاصل از آن و یا به اجبار تن به کار کردن همسر خود در بیرون از منزل دهند و خود قلباً راضی به این امر نباشند و این مسئله مشکلات عاطفی و روحی میان زن و مرد به وجود می‌آورد و گاه موجب از هم‌پاشیدگی زندگی خانوادگی می‌شود». (روشن‌فر، ۷۹).

هم‌چنین کار کردن زن موجب می‌شود که وظایف او نسبت به گذشته سنگین‌تر شود و او نتواند به خوبی به امور همسر خود رسیدگی کند، بنابراین گاهی کارهای او را با بی‌اعتنایی رها می‌کند. پس روابط بین زن و مرد سرد و بی‌روح می‌شود و این خود افسردگی و اختلاف در پی دارد و نیز کار بیرون از منزل سبب می‌شود که زن رعایت حقوق شوهر را فراموش کند و همه این مسایل موجبات نارضایتی شوهر را فراهم می‌کند. (قائمی، ۱۸۷)

در پرتو عطف و محبت زن و برآورده شدن نیازهای عاطفی مرد، محبوبیت زن حفظ و افزایش می‌یابد؛ همان‌گونه که محبت به زن و تأمین خواسته‌های عاطفی او در حفظ و سلامت روحیه زن و نشاط، شادابی، دل‌گرمی، حرارت‌بخشیدن به خانه و محبت به فرزندان نقش بسزایی دارد.

۲- ۴. آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی حضور زنان در جامعه را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد:

۱- ۲- ۴. کاهش میزان ازدواج

کار بیرون از منزل و به دست آوردن یک درآمد مکفی برای زنان موجب برآورده شدن نیازهای

ایشان می‌شود و استقلال مالی پیدا می‌کنند، این مسئله در برخی موارد بسیار خوب است، ولی با رهایی از وابستگی مالی به همسر و حفظ استقلال ممکن است در مواردی موجب احساس عدم‌نیاز به همسر در او ایجاد شود.

واقعیت این است که زنی که نیاز مالی نداشته باشد، تمایل کمتری برای ازدواج دارد، همان طوری که اگر مردی نیاز جنسی در خود نبیند، ازدواج نمی‌کند، هم‌چنان که در این روزها این احساس عدم‌نیاز از دوطرف فهمیده می‌شود و به‌همین دلیل آمار طلاق بسیار بالا رفته است. (پریور، ۱۲۶).

۲ - ۲ - ۴. خطر ارتباط نامشروع با دیگران

زنی که شاغل است، در محیط اجتماعی با خطراتی روبرو خواهد بود؛ زیرا کسانی که از دین و ایمان تهی هستند یا ایمان ضعیفی دارند؛ غریزه و نفس سرکش خود را به‌ویژه هنگام روبروشدن با عوامل هیجان‌برانگیز و تحریک‌کننده، از مدار طبیعی منحرف نموده و پا از دایره تقوا و عفاف بیرون می‌نهند و به انحرافات جنسی می‌آیند که عواقب و پی‌آمدهای دردناکی برای جامعه و خود آن‌ها دارد.

هر عملی مخالف فطرت و طبیعت انسان، ضربه و جنایتی بر روح و جسم است، انحرافات جنسی نیز از عوارض و آثار ناگوار و خطرناکی است که گریبانگیر شخص منحرف، جامعه و نسل آینده می‌شود، که چه‌بسا آثار شوم آن‌ها تا آخر عمر باقی می‌ماند؛ به‌همین علت دین مقدس اسلام - که دین فطرت و طبیعت است - با این انحرافات به‌شدت مبارزه نموده و آن‌ها را از گناهان بزرگ شمرده است. (کوهی، ۱۷۳)

انسان مؤمن ناهنجاری اجتماعی را به‌همان‌سان که بر زن و ناموس خود برنمی‌تابد و حیثیت‌ربایی از زن و فرزند خود را تحمل نمی‌کند، این‌همه را درباره زن مسلمان نیز نباید تحمل کند.

امام صادق (ع) در تعبیر لطیفی به این نکته خطیر اجتماعی اشاره می‌کند و می‌فرماید: *بَرُوا اِبَائَكُمْ يَبْرُكُمْ اَبْنَاؤَكُمْ وَ عَفْوًا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّوا عَنْ نِسَائِكُمْ* (صدوق، ۲۸۸) «نیکی کنید با پدرانتان تا به شما نیکی کنند پسرانتان و چشم‌پوشی کنید از زنان مردم تا مردم از زنانتان چشم‌پوشند».



نتیجه‌گیری

با مطالعه تاریخ می‌توان حضور زنان در جامعه و مشارکت در کنار مردان را از قرن‌ها قبل مشاهده نمود، در برخی موارد همین زنان بودند که انقلاب‌های بزرگی را به وجود آوردند و موجب تغییر و تحول و پیشرفت در جامعه شدند. فرهنگ اسلامی ما نیز حضور زنان را پذیرفته است، چنان که حضور آنان در برخی امور اجتماعی صدر اسلام موید این مطلب است. به رغم آسیب‌ها و خطراتی که زن رادر مشارکت اجتماعی تهدید می‌کند، اسلام مانع بیرون رفتن زن از خانه و موافق حبس او در منزل نیست، اما در این امر نه افراط می‌کند و نه تفریط، بلکه رعایت مرز تعادل را توصیه می‌کند، یعنی آداب و شرایطی برای حضور زن در اجتماع مطرح می‌نماید که وی با اجرای این آداب می‌تواند در مسایل جامعه خود مشارکت کند و به فعالیت بپردازد، لذا زنان با رعایت مسایل پیش گفته می‌توانند در جامعه حضور یابند. اما اگر زنانی آداب حضور را زیر پا نهند، اسلام با حضور آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی مخالفت می‌کند.

زن و مرد دو موجودی هستند که خداوند حکیم بر مبنای مصلحت، آن دو را مختلف و با استعدادهای گوناگون خلق نموده است، آن‌ها دارای حقوق انسانی مساوی هستند، ولی در تمامی موضوعات تکلیف مساوی و برابر ندارند، بلکه تکلیف آن‌ها متناسب با داده‌ها و توانایی‌هایشان است و در روز قیامت با این معیارها مؤاخذه خواهند شد. پس باید استعدادها و توانایی‌های زن و مرد را شناسایی کرد و متناسب با آن، آن‌ها را در جامعه مشارکت داد که این، عین عدالت است.

علاوه بر آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، هجرت، بیعت، آزادی در فعالیت اقتصادی و... که در آن‌ها خداوند مردان و زنان را با هم، به مشارکت اجتماعی دعوت می‌کند، عملاً معصومان با مشارکت اجتماعی زنان با حفظ آداب اسلامی، مخالفتی نکرده‌اند، چنان که حضرت خدیجه زن پیامبر(ص) در تمامی ناملازمات اجتماعی همراه پیامبر(ص) حضور داشت یا مثلاً ام شریک، پس از مسلمانی، میان قریش مخفیانه دعوت به اسلام می‌کرد.

نباید این نکته را از نظر دور داشت که با حضور زن در جامعه خطراتی نیز او را تهدید می‌کند که منحرف شدن زن، اخلال در تربیت فرزند، ادا نشدن حقوق شوهر و صدمات روحی و جسمی فراوان، خستگی مضاعف و... از جمله این خطرات می‌باشند. در مقابل، برای این حضور فوایدی چون رشد شخصیت زن و کمک به اقتصاد خانواده و جامعه متصور است. بنابراین اگر زنی بتواند با وجود خطرات اجتماعی که او را تهدید می‌کنند، خود را از گناه

مصون دارد و وظایف مادری و همسری خود را به خوبی انجام دهد، نه تنها اسلام با حضور او در اجتماع مخالفتی ندارد، بلکه وجود چنین زنانی را می‌ستاید و ارج می‌نهد و حتی در مواردی واجب می‌شمارد.



منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان، بی‌جا، بی‌تا
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمييز الصحابة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۲۸ ق
۵. ابن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت، دار صادر، بی‌تا
۶. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق
۷. ابن هشام، السیرة النبویة، محقق مصطفی السقا و مصر، مطبعة مصطفى البابي والحلبی و اولاده، ۱۳۵۵ ق
۸. ابی داوود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ ق
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ ق
۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ یازدهم، ۱۳۶۱ ش
۱۱. پریور، علی، خانواده و شادکامی، بی‌جا، انتشارات فجر، بی‌تا
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محقق محمد الرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا
۱۳. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، محقق ندیم مرعشلی، دارالکتب العربی، بی‌تا
۱۴. روشن‌فر، مرضیه، زن، اشتغال، مالکیت (در فقه امامیه و قوانین موضوعه)، تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۲ ش
۱۵. سید بن طاووس، لهوف، ترجمه عقیقی بخشایشی، قم، نشر بخشایش، ۱۳۷۷ ش
۱۶. شیخ مفید، الارشاد، ترجمه محدباقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۶ ش
۱۷. صادق کوهستانی، عطیه، زندگانی حضرت زینب (س)، قم، نسیم حیات، ۱۳۸۵ ش
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه القمی، من لا یحضره الفقیه، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه القمی، امالی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ق
۲۰. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی‌تا
۲۱. طباطبائی، محمد کاظم، العروة الوثقی، تهران، انتشارات علمیه الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش
۲۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تصحیح و تحقیق و تعلیق سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۳۹ ش
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۸۱ ش
۲۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، محقق احمد الحسینی، قونیه، مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸ ق
۲۴. قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران، سازمان انجمن اولیا و مربیان، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ ش
۲۵. قاسمی، جمال‌الدین، محاسن التأویل، بیروت، دارالکفر، ۱۳۹۸ ق
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ترجمه و شرح سیدهاشمی رسولی، تهران، نشر فرهنگ اهل‌البيت،

۱۴۰۰ق

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه،

۱۳۶۲ش

۲۸. کوهی، محمدرضا، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، قم، انتشارات اتقان، ۱۳۸۴ش

۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق

۳۰. محتشمی، بتول، اشتغال زنان، بایدها و نبایدها، فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، شماره ۳،

بهار ۱۳۷۸

۳۱. محمدی اشتهدادی، محمد، زنان مرد آفرین تاریخ، تهران، افق فردا، ۱۳۷۹ش

۳۲. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

بی تا

۳۳. مهریزی، مهدی، زن، تهران، نشر خرم، ۱۳۷۷

